



مقام معظم رهبری تاکید کردند:  
**لزوم تحلیل جامعه‌شناختی از  
نقش عنصر دین در دفاع مقدس**

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره سه‌هزار و ۵۳۵ شهید استان زنجان که در تاریخ ۲۴ مهر ۱۴۰۰ برگزار شده بود، در محل برگزاری این همایش منتشر شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ...

صفحه ۲

شنبه ۸ آبان ۱۴۰۰ • ۲۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ • ۳۰ اکتبر ۲۰۲۱



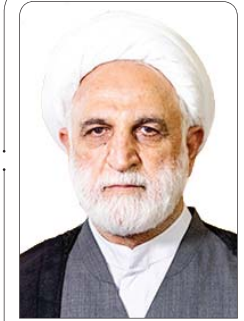
روزنامه

رئیس قوه قضائیه:

**دستگاه قضا و دولت، هفت تپه را  
تنها نمی‌گذارند**

گروه سیاست: رئیس قوه قضائیه در اهواز در جلسه بررسی آخرین وضعیت پرونده شرکت هفت‌تپه پس از واگذاری به دولت با اشاره به بررسی و مطالعه مشکلات استان خوزستان گفت: احساس می‌کنم باید برای حل مشکلات این استان تلاش...

صفحه ۳



سال نوزدهم • شماره ۴۱۳۰ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

تترها

کنف‌هورای اصولگرایان برای صداوسیما  
**جلی؛ تغییر تاکتیک  
یا استراتژی**

صفحه ۲

گفت‌وگو با احمد خرم، ریاست سازمان نظام مهندسی

**نهادینه کردن  
دخالت‌های غیر قانونی  
در لوای شعارهای زیبا**

صفحه ۹

**سه‌م چینی‌ها  
از ۴ میلیون مسکن  
دولت**

صفحه ۵

**نگرانی ایران؛ خطر  
مجدد حذف وزنه‌برداری  
از المپیک**

صفحه ۱۱

**سخنان عجیب برجامی  
امیر عبداللہیان  
وباقری**

صفحه ۴

حرف اول

**از دریاچه رنجور خزر چه می‌خواهیم؟**

**عبدالحسین طوطیایی . پژوهشگر کشاورزی**



در جریان سفر اخیر رئیس دولت و هیئت همراه، آیت‌الله عاملی، امام جمعه اردبیل، در جلسه شورای اداری استان در سخنانی، مطالبات منطقه و توصیه‌هایی در خود بر سفر به چند کشور از جمله اوکراین و هلند، در زمینه بهره‌وری درست از منابع آبی و روبروایی با تنش‌های کم‌آبی منطقه هشدار دادند. اما در میانه توصیه‌های درست، پیشنهاد انتقال آب از دریاچه خزر به اردبیل با شگفتی همراه شد. شگفتی از آنکه چگونه پس از مخالفت‌های کارشناسی با چنین انتقالی در شرق مازندران و در ایام دولت‌های نهم تا دوازدهم، مجدداً طرح مشابهی از جانب ایشان مطرح شد. ای کاش که چنین جایگاه‌هایی با صیغه معنوی و در این قبیل از امور نگاه خود را از محدوده منطقه به سطح ملی ارتقا و تسری دهند. دریاچه خزر که به اشتباه آن را دریا می‌نامیم، در خلال میلیون‌ها سال و به مدد ارتفاعات البرز، یکی از بی‌بدیل‌ترین اکوسیستم‌های زمین را چون تاجی زمردین و با آرایه‌ای از جنگل‌های هیرکانی بر سرش شمال سرزمین ما بنا نهاد. کلیمایی که ظرفیت تولید پایدار با به‌مراتب بیش از هلند و در نما نشانی از هنر و اعجاز آفرینش داشت. اما در نیم‌قرن اخیر نسل ما با کفشدانی کل‌آلود، کام‌بسر این نقش بی‌بدیل نهاد و تا نوانست، جنگ بر زیبایی آن کشید. در ادوار دولت‌های پیشین به همین تخریب هم بسنده نکردند و به انگیزه‌های ریزانند در آن سوی خشک البرز چشم به دریاچه‌ای دوختند که در زیر ستوران توسعه مدرن و در تقلائی ماندن موج به رفتن دارد. امواجی که رنجورانه به ساحل‌هایی انباشته از زباله می‌کوبند، شاید که با موج‌های خوششان خود ندای مظلومیت سر دهند. با عنایت به سخنان امام جمعه اردبیل در جلسه مذکور به نظر می‌رسد که زمزمه دیگریار آب‌ستانی از شرق به غرب دریاچه خزر کوچ کرده است. در ادوار گذشته مجالس شورای اسلامی، بابت اجرای بسیاری طرح‌های منطقه‌ای ناموس با منافع ملی، کشور ما زیان‌های پرشماری را تجربه کرده است. طرح‌هایی که نماینده منطقه با اصرار بر اجرای آنها انگیزه‌ای جز اثبات شایستگی خود نداشته است. در خصوص پیشنهاد انتقال آب دریاچه خزر به اردبیل و از جنین تریونی پرسش‌های فراوانی به ذهن متبادر می‌شود. آیا بهتر نبود حال که امام جمعه محترم در مقام اجرایی نیستند، این پیشنهادات را به‌طور خصوصی برای رئیس‌جمهور ارسال می‌کردند تا در محافل تخصصی بررسی شود؟...

ادامه در صفحه ۴

# حمله تندروها به مراجع

**آیت‌الله علوی بروجردی: انتظار دارید مراجع در دیدار با مسئولان فقط تعریف کنند؟**

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی گفته بود: گرانی برای مردم طاقت‌فرسا شده و اینکه با بسیاری از کشورها قهر باشیم، به ضرر مردم است. سخنانی که با حمایت سایر مراجع دینی، طلاب، روحانیون و مردم همراه شد اما از سویی توسط روزنامه کیهان سانسور شد و از سویی دیگر با حمله‌های تند و بی‌رحمانه اصولگرایان تندرو مواجه شد.

مشروح گزارش را در صفحه ۳ بخوانید

گروه سیاست: نگاه اصولگرایان تندرو به مرجعیت، حمایت بی‌چون‌وچرای آیات عظام و روحانیون از مواضع مقبول تندروها به دور از هرگونه انتقاد از سیاست‌های غلط است و از این‌رو کمترین نقد به وضع موجود سبب حمله تند این دسته از افراد به مرجعیت شده است. رفتاری که البته بدون پاسخ هم نمانده و واکنش‌های بسیاری را برای حمایت از مراجع حق طلب و عدالت‌جو در پی داشته است. هفته گذشته آیت‌الله صافی کلیپ‌کنانی در دیدار



صفحه ۲

یادداشت

## توفان فقر و پنجره شکسته مسکن

اقتصادی باعث شد این پرونده مهم در زیر سایه

انبوه پرونده‌های دیگر اولویت و فوریتش را از دست بدهد. در اوایل دهه ۷۰ بسیاری از ناظران

و دست‌اندرکاران رونق‌گرفتن تجارت املاک و مستغلات را علامتی مثبت تلقی می‌کردند؛ زیرا نشان‌دهنده اقبال عمومی از فرایند سرمایه‌گذاری در عرصه ساخت‌وساز و نوسازی بود و می‌توانست شروع‌کننده جریان رونق عمومی اقتصاد کشور شود. غافل از اینکه رونق تجارت املاک در سالیان آینده به یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های بحران برای اقتصاد ملی مبدل خواهد شد. تجارت املاک هرچند در ابتدا به‌عنوان ابزاری برای جمع‌آوری نقدینگی افزایش‌یافته دوران سازندگی عمل می‌کرد، اما ظهور آثار منفی هجوم نقدینگی به بازار املاک و مستغلات چندان دور از انتظار نبود. به‌تدریج در سایه کم‌توجهی متولیان امر به این واقعیت، به‌تدریج تقاضای سفته‌بازانه مقتدری در بازار املاک شکل گرفت و به قدرتی مخوف و حاکم در سطح اقتصاد ملی مبدل شد. با گذشت زمان علاوه بر اشخاص حقیقی صاحب نقدینگی، نگاه‌های مالی و پولی کشور و حتی برخی نهادهای عمومی نیز به بازیگران بزرگ بازار املاک مبدل شدند. فقط نیاز یک مثال برای اثبات این مدعا کافی است. در اواسط دهه ۹۰ و در شرایطی که بانک‌ها ملزم شده بودند املاک مازاد خود را به بازار عرضه کنند، یکی از بانک‌ها فقط در یک مرحله از فروش املاک مازاد، ۹ مورد ملک را به مزایده گذاشت که قیمت پایه آنها نزدیک به چهار برابر سرمایه بانک بود! به بیان دیگر آن بانک همسو با سایر نهادهای مشابه با استفاده از سپرده‌ها و نقدینگی مردم، مانند تاجری حریص وارد بازار املاک شده و تا توانسته بود نقدینگی خود را «تبدیل به احسن» کرده بود. در واقع وقتی متولیان امر به راحتی اجازه می‌دهند مسکن به‌عنوان نیاز اساسی مردم مبدل به یک کالای سهل‌البیع و قابل‌احتکار شود، بروز چنین پدیده‌هایی نباید ما به تعجب شود. چنین هجوم گسترده‌ای به بازار املاک توانست قیمت مسکن را تا بدان حد افزایش بدهد که بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد کشورمان از خیر آرزوی داشتن مسکن بگذرند. همچنین افزایش اجاره مسکن موجب شد سهم هزینه سهم در سبد هزینه خانوار در سطحی باشد که عملاً بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد و حتی طبقه متوسط جامعه ناگزیر از «مدارای نجیبانه» شوند؛ تعبیری که فرهاد مؤمنی درباره رفتار اقتصادی-اجتماعی امروز ملت ایران به کار می‌برد. در واقع خانوارهای کم‌درآمد و فاقد مسکن در جامعه امروز ایران از دو سو توسط متولیان امر مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند...

ادامه در صفحه ۹



صفحه آخر

یادداشت

## تنها راه حل کوتاه‌مدت ترافیک تهران

در معابر کاهش یابد. شهرداری از سال‌های قبل برای

این هدف‌ها تلاش کرده، اما به دلایل مختلف، کار

بسیار کند پیش رفته است. دولت هم حمایت چندانی نکرده و تأمین واگن و اتوبوس برای تهران عملاً به منابع شهرداری محدود شده است که قطعاً کافی نیست. اگر کسی این روزها وعده بدهد که به‌زودی تعداد درخور توجهی اتوبوس وارد تهران می‌شود یا حتی در دو سه سال آینده واگن به متروی تهران اضافه می‌شود، وعده واهی و چک بی‌محل داده است. این کارها جز با برنامه‌ریزی بلندمدت، تأمین منابع مالی مورد نیاز و رفع موانع خرید و تأمین کالا از جمله تحریم‌های خارجی و قوانین خودتحریمگر داخلی ممکن نیست. پس به بیان تئوریک، فعلاً امکانی برای مدیریت‌کردن تولید ترافیک نداریم و صرفاً می‌توانیم توزیع ترافیک را مدیریت کنیم. راه‌حل‌های کوتاه‌مدت نیز عملاً کم‌تاثیر و بی‌فایده هستند. راه‌حلی مثل تغییر ساعت طرح ترافیک، حداکثر تأثیرات موضعی، مقطعی و محدود به معابر مرکزی شهر خواهند داشت. با چنصد اتوبوسی که در یکی، دو سال گذشته خریداری شد و به تدریج وارد شبکه شده‌اند یا می‌شوند نیز مشکلی حل نمی‌شود. محدودکردن کسبوکارها یا حضور نداشتن آموزش هم دیگر ممکن نیست. در واقع ما برای مدیریت توزیع ترافیک نیز ظرفیت و منابع چندانی در اختیار نداریم؛ چه در حوزه زیرساخت‌های معابر، چه زیرساخت‌های دسترسی و چه زیرساخت‌های تجهیزات. تنها چیزی که در دسترس ماست و می‌توانیم مدیریت کنیم، «زمان» است؛ فقط شاید بتوانیم توزیع را در طول شبانه‌روز بیشتر کنیم تا ترافیک کمتر شود.

ادامه در صفحه ۴

سرمقاله

## پشت پا به ایدئولوژی؟

احمد غلامی . سردبیر

شاید اگر بگویم سیاست داخلی و به‌تبع آن مسائل اجتماعی و سیاسی در یک تعلیق ناخواسته به سر می‌برد، چندان اغراق نباشد. ممکن است بخشی از این بلاکلیفی‌ها و سردرگمی‌ها خاصه در وضعیت اقتصادی به برجام بازگردد، اما مسائل سیاسی و اجتماعی و کشاورزی در این حوزه‌ها ارتباط مستقیمی به برجام ندارد. آنچه همه بر سر آن توافق دارند، پذیرش این تعلیق است؛ تعلیقی که از اوایل دوره ریاست‌جمهوری روحانی آغاز شد و این امیدواری وجود داشت که با روی کار آمدن دولت سیزدهم و ابراهیم رئیسی، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از حالت تعلیق خارج شده و جنب‌وجوش در طبقات اجتماعی، حتی به لحاظ صوری اتفاق بیفتند. اما چنین نشد و در هر همان پاشنه چرخید. تازه‌نفس‌ها و تازه ازراه‌رسیده‌های سیاست می‌پنداشتند خود همین جابه‌جایی منشأ تحریک و پویایی خواهد شد، اما نه‌تنها چنین چیزی رخ نداد، بلکه طیف‌های مختلف اصولگرایان، آنچنان درگیر مسائل خود و حواشی سیاست شده‌اند که بعید به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک توجهی جدی به مسائل مردم داشته باشند. هر وقت هم حرفی از مردم به میان می‌آید، بیش از هر چیز تکنیهای اقتصادی به شیوه‌ای کلیشه‌ای و شعاری بازتعریف می‌شود و همه‌چیز دوباره به حالت تعلیق درمی‌آید. گویا صرفاً سخن‌گفتن از آلام مردم، معضلات مردم را حل می‌کند. اینک نمایندگان مجلس که همواره در دولت روحانی دم از مردم می‌زدند، سرگرم کار خویش‌اند و بیشترین دغدغه‌شان اتخاذ تصمیم‌هایی است که خوشایند مردم نیست. شاید طرح صنایع از فضای مجازی یکی از ده‌ها طرحی باشد که نه‌تنها کمکی به معیشت مردم نمی‌کند بلکه آنان را با معضلات تازه‌ای دست به گریبان خواهد کرد. اگر دولت روحانی مردم را فراموش کرد و به تسخیر کردارها، مناسک و روابط درون‌گروهي خود درآمد، اصولگرایان هم منافع شخصی خود و تلاش برای مقبول واقع‌شدن در منظر نهادهای رسمی را در اولویت قرار داده‌اند تا با دوراندیشی گرفتار زمستان قدرت نشوند. خواسته یا ناخواسته این تصویر در آحاد مردم به وجود آمده است که دولت‌هایی که روی کار می‌آیند بیش از آنکه به فکر مردم باشند، فکر آینده خویش‌اند. شاید این طرز تفکر از دولت یازدهم و دوازدهم دور از انتظار نبود، چراکه می‌پنداشتند بسیاری از جمله نهادهای رسمی در انتظار نشستند تا آنان کوله‌بار خود را جمع کرده، به کنج خزیده و اعلام بازنشستگی سیاسی کنند. البته با وجود دولت پا به سن گذاشته روحانی چنین چیزی دور از انتظار هم نبود و مهم‌تر از همه بسیاری از وزرای این دولت از جمع جهات جزء غیرهای غیرقابل تحمل بودند. این ویژگی‌ها به علاوه شیوه روی کار آمدن مجلس دوازدهم و دولت سیزدهم این تصور را تقویت کرد که نمایندگان و دولتیان از فرصت مناسبی برای تحکیم منافع و اختیارات خود برخوردارند. این تصور و اعتمادبه‌نفسی که منشأ آن نهادهای رسمی بود، موجب شده که مردم بار دیگر فراموش شوند. رئیس دولت سیزدهم هم ناگزیر درصدد است برای رفع این نقیصه دست به سفرهای استانی بزند. جان کلام اینکه دولت‌های ایران دچار این بله شده‌اند که خود را مستاجری می‌دانند که عمرش در خوشبختانه‌ترین شکل بعد از هشت سال به اتمام خواهد رسید و ازاین‌رو هرکس در تلاش است توشه‌ای برای آینده خویش جمع کند، توشه‌های برای ماندگاری در قدرت و انباشت ثروت. اینها نکات بسیار ساده و کلیشه‌ای است و فارغ از درست یا غلط بودن آن، ملکه ذهن مردم شده است.

ادامه در صفحه ۴



**یادنامه اولین سالگرد  
درگذشت استاد آواز ایران**

**شماره تماس برای سفارش  
۸۸۹۰۳۵۴۸**

